اخبار

کشف لوازم آرایشی قاچاق از یک انبار

گروه حوادث/ مأموران پلیس مبارزه با قاچاق کالا و ارز موفق به کشف بیش از ۳۰۰ میلیون تومان کالای آرایشی، پزشکی و الکترونیکی قاچاق در جنوب تهران شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۴ بعد از ظهر چهارشنبه ۱۲ آذر، مأموران گشت نامحسوس مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حین گشت در اطراف میدان شوش، به دو خودرو وانت در خیابان شوش غربی مشکوک شدند. راننده‌ها در مقابل یک باربری توقف کرده و منتظر بودند تا در انبار باز شود که در همین حین، مأموران به سراغ راننده‌ها رفته و با بازرسی خودروی آنها، دریافتند که بار آنها لوازم آرایشی خارجی است.

یکی از راننده‌ها در تحقیقات گفت: فردی با ما تماس گرفت و خواست تا این لوازم را از انباری واقع در کهریزک بار زده و به این آدرس بیاوریم. ما مدرکی برای بارها نداریم اما می‌دانیم مقداری کالا نیز توسط راننده‌های دیگر به داخل انباری که در مقابلش توقف کرده‌ایم آورده شده است. با اطلاع از این موضوع، بلافاصله هماهنگی‌های قضایی صورت گرفت و مأموران وارد انبار شدند. با ورود به انبار، مأموران با مقدار زیادی لوازم آرایشی، الکترونیکی، پزشکی و... که به صورت قاچاق وارد پایتخت شده بود، مواجه شدند. مرد انباردار مدعی شد این کالاها متعلق به وی نیست و او فقط از آنها نگهداری می‌کند؛ در ادامه تحقیقات مأموران به بازبینی دوربین‌های مداربسته انبار پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد ساعت ۴:۳۰ صبح همان روز، ۵ خودروی شوتی (خودروهایی که قاچاقچیان برای حمل کالاهای قاچاق استفاده می‌کنند) وارد انبار شده و بار خود را تخلیه کرده‌اند؛ در ادامه مشخص شد این انبار، محلی برای کالاهای قاچاق بوده و چندین قاچاقچی، کالاهایشان را که به صورت غیرقانونی از مرزها وارد ایران کرده و به پایتخت رسانده بودند، به این انبار منتقل کرده تا در فرصتی مناسب در بازار توزیع کنند و به فروش برسانند.

سرهنگ ولیپور گودرزی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: حدود سیصد هزار لوازم آرایشی (کاشت ناخن و ناخن مصنوعی)، ۱ دستگاه بیت کوین، ۱۲۴ دستگاه لوازم الکترونیکی، ۶ دستگاه لوازم پزشکی، ۱۹۰ عدد لوازم جانبی موبایل محصول کشورهای چین و کره به ارزش تقریبی ۳ میلیارد ریال از این انبارها کشف شد؛ ۶ نفر که سه راننده، دو نفر از مالکان کالا و یک انباردار بودند در این رابطه دستگیر شده و تحقیقات برای دستگیری سایر افرادی که در این قاچاق نقش داشته اند ادامه دارد.

دیوار قبرستان روی خودروها آوار شد

گروه حوادث/ ریزش دیوار آرامستان قدیمی شهر سنندج ۱۲ خودرو را تخریب کرد.

دیوار محوطه بهشت محمدی سنندج با قدمتی بیش از ۵۰ سال، مشرف بر جاده کمربندی این شهر عصر روز پنجشنبه فروریخت و بر اثر این ریزش ۱۲ خودرو خسارت دید. بر اساس گفته کارشناسان حوزه شهری، رعایت نشدن نکات فنی در ساخت، بی‌توجهی مسئولان شهری به وضعیت دیوار و خالی شدن زیر دیوار بر اثر تعریض خیابان از دلایل این ریزش بوده است. مرتضی سنندجی، رئیس سازمان آرامستان‌های شهرداری سنندج نیز در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم با بیان اینکه تعریض خیابان باعث شده زیر پی دیوار بهشت محمدی خالی و اکنون تخریب شود اظهار داشت: فروریختن دیوار بهشت محمدی موجب خسارت به ۱۲ خودرو سواری شده اما خسارت جانی در پی نداشت. وی وعده پرداخت خسارت وارد شده به خودروهای سواری را از محل بیمه شهری داد و گفت: امیدوارم بتوانیم خسارت این ۱۲ خودرو سواری را از این محل پرداخت کنیم.

حیوان آزار ارومیه‌ای دستگیر شد

گروه حوادث/ فرد حیوان‌آزاری که اقدام به بریدن گوش‌های یک قلاده سگ در ارومیه کرده بود، توسط یگان حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی شناسایی و دستگیر شد.

رضا خیری، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست آذربایجان‌غربی در این باره گفت: پس از انتشار تصاویر بریدن گوش‌های یک قلاده توله سگ در فضای مجازی، اکیپ عملیات یگان حفاظت این اداره کل، موضوع را در دستور کار قرار دادند و پس از بررسی‌های اولیه معلوم شد حادثه در شهرستان ارومیه رخ داده که با دریافت دستور لازم از مراجع قضایی موضوع از طریق تیم‌های کارشناسی پلیس فتا در ارومیه پیگیری و متهم پس از شناسایی و احضار، تحویل مراجع قضایی شد.

خیری در ادامه افزود: موضوع بریدن گوش‌های توله سگ در بین افرادی که اقدام به نزاع سگ‌ها می‌کنند، رواج داشته که این موضوع از مصادیق بارز حیوان‌آزاری است.

حوادث جهان

فرود اضطراری هواپیما در بزرگراه مینه‌سوتا

هواپیمای تک موتوره که هنگام پرواز بر فراز ایالت مینه سوتا دچار نقص فنی در موتور شده بود هنگام فرود اضطراری در بزرگراه به یک خودرو برخورد کرد.

به‌گزارش اسپوتنیک، خلبان این هواپیما پس از آنکه متوجه نقص فنی شد بلافاصله تصمیم گرفت هواپیما را در نقطه امنی به زمین بنشاند. این هواپیما دو سرنشین داشت که هیچکدام از آنها آسیب ندید و سرنشین ماشینی که این هواپیما با آن برخورد کرده نیز دچار جراحت نشد. البته فرود این هواپیما موجب شد تا عبور و مرور در بزرگراه با اختلال همراه شود و ترافیک سنگینی را ایجاد کند.

انفجار مرگبار در بریستول

وقوع انفجار در یک تصفیه خانه فاضلاب در نزدیکی بندر بریستول در انگلیس ۴ کشته و یک مجروح داشت.

بنابر گزارش‌های محلی عصر پنجشنبه انفجار مخزن بزرگ حاوی مواد شیمیایی در شمال غرب شهر بریستول در غرب انگلیس در یک انبار تصفیه خانه فاضلاب رخ داد. ۳ نفر از قربانیان این حادثه از کارکنان شرکت و نفر چهارم پیمانکار بوده است. پلیس گفته است که این انفجار در یک سیلوی تصفیه خانه رخ داده و ارتباطی با حوادث تروریستی ندارد. به گزارش بی‌بی‌سی، پلیس این حادثه را بزرگ توصیف کرده و در حال بررسی جزئیات آن است.

پسر ۲ ماهه در غسالخانه زنده شد

بازگشت معجزه‌آسای نوزاد به زندگی

گروه حوادث/ نوزاد ۲ ماهه‌ای که به علت نارسایی تنفسی در یکی از بیمارستان‌های ایلام فوت کرده بود، به شکل معجزه‌آسایی در غسالخانه زنده شد. روز پنجشنبه این نوزاد از بیمارستانی در ایلام به غسالخانه شهرستان آبدانان منتقل شد تا امور تدفین وی انجام شود اما ناگهان مسئول غسالخانه متوجه حرکتی در قفسه سینه نوزاد شد و بلافاصله شروع به احیای وی کرد.

مرتضی بیگی، مسئول غسالخانه آبدانان در تشریح این ماجرا گفت: وقتی خانواده این نوزاد ۲ ماهه وی را برای شست و شو آوردند، من هنگام کار در یک لحظه متوجه شدم سینه این بچه تکان خورد. از آنجا که دوره‌های کمک‌های اولیه را در هلال احمر گذرانده بودم، بلافاصله شروع به ماساژ قلبی وعملیات احیا کردم و موضوع را به اورژانس ۱۱۵ خبر دادم که دقایقی بعد با کمک امدادگران تنفس نوزاد برگشت و او را به بیمارستان منتقل کردند.

■ **اظهارات خانواده نوزاد**

پدر و مادر این نوزاد که به خاطر این معجزه الهی و زنده شدن پسرشان هنوز هم در شوک بودند و خدا را شکر می‌کردند، درباره این حادثه گفتند: حدود دو ماه پیش به علت پارگی کیسه آب مادر زودتر از زمان زایمان طبیعی مجبور به انجام عمل سزارین شدیم و فرزندمان در بیمارستان رسول اکرم شهرستان آبدانان به دنیا آمد اما افت اکسیژن خون داشت.

از آنجا که بیمارستان امکانات لازم برای مراقبت ویژه اطفال را نداشت، نوزاد را به بیمارستانی در ایلام منتقل کردند و به مدت ۱۶ روز در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بود و سپس با بهتر شدن وضعیت جسمی طفل و اینکه می‌توانست از شیر مادر تغذیه کند، او را مرخص کردند.

اما بعد از گذشت ۵۱ روز از تولد چند روز قبل پدر و مادر این طفل احساس کردند که فرزندشان دچار مشکل شده و او را به بیمارستان رسول اکرم منتقل کرده و پرسنل این بیمارستان به علت نداشتن امکانات تخصصی و وجود سابقه بیماری اقدام به انتقال نوزاد به بیمارستانی در ایلام کردند.

بنابر گفته والدین این نوزاد؛ کادر درمانی بیمارستان، طفل را به جای بستری در بخش مراقبت‌های ویژه کودکان در بخش عمومی اطفال این بیمارستان بستری کردند و یک دستگاه اکسیژن در کنار طفل قرار دادند. چون امکان استفاده از ماسک دستگاه برای نوزاد نیست دستگاه اکسیژن را در کنار کودک و روی سینه نوزاد گذاشته بودند. اما شب حادثه یکی از پرستاران این بیمارستان بدون اطلاع به مادر دستگاه اکسیژن را از اتاق خارج کرده و برای یک بیمار دیگر می‌برد.

بعد از دور شدن دستگاه اکسیژن این طفل دچار کمبود اکسیژن شده و از آنجا که در بیمارستان کپسول اکسیژن دیگری وجود نداشت حال نوزاد وخیم شد و پس از دقایقی به تشخیص پزشک فوت کرد که وی را به سردخانه بردند. پس از تسویه حساب با بیمارستان کودک که ۳ ساعت در سردخانه بود به خواسته خود والدین تحویل آنها شد. آنها نیز با ماشین شخصی خود اقدام به آوردن جسد فرزندشان به آرامستان ایلام کردند اما چون تعطیل بود، به ناچار جسد را به آبدانان برگرداندند. در طول مسیر طفل در آغوش پدر بود که ناگهان پدر متوجه یک سرفه از فرزند شده اما اطرافیان به او می‌گویند خیالاتی شده‌ای و نوزاد را روی صندلی عقب می‌گذارند. پس از رسیدن به آبدانان طفل را به غسالخانه شهر برده و مسئول غسالخانه هنگام شستن نوزاد متوجه تکان خوردن او شد و وقتی مطمئن می‌شود طفل زنده است، بلافاصله با اورژانس شهرستان تماس گرفتند و نوزاد به بیمارستان دیگری منتقل شد.

به گزارش خبرنگار صدای آبدانان، با پیگیری‌های صورت گرفته و به گفته پزشکان؛ در حال حاضر نوزاد این خانواده در یکی از بیمارستان‌های اهواز بستری است اما به دلیل کمبود اکسیژن دچار آسیب جدی شده است.

■ **توضیح دانشگاه علوم پزشکی**

پس از انتشار خبر زنده شدن نوزاد آبدانانی دانشگاه علوم پزشکی ایلام اطلاعیه‌ای صادر کرد که در بخشی از آن آمده است: این بیمار ابتدا در بخش اطفال بستری وبه‌دلیل اختلال تنفس به بخش مراقبت‌های ویژه کودکان منتقل و تحت مداوا قرار می‌گیرد و در مدت بستری افت فشارخون و کاهش سطح هوشیاری شدید داشته و در نهایت با کاهش ضربان قلب و قطع تنفس تحت عملیات احیای قلبی تنفسی قرار گرفته و بعد از عدم موفقیت، قطع عملیات احیا صورت گرفته است. همچنین روز شنبه پانزدهم آذر ماه کمیسیون تخصصی بررسی و ارزیابی این مسأله با حضور تمام استادان گروه اطفال استان در دانشگاه علوم پزشکی ایلام برگزار می‌شود و نتیجه قطعی آن نیز به اطلاع عموم مردم شریف استان خواهد رسید.

■ **مهلت دادستان ایلام برای روشن شدن ابهامات**

رضا امیری‌مقدم جانشین دادستان استان ایلام گفت: به دستور دادستان تیم ویژه متشکل از دادستانی، بازرسی و نظام پزشکی تشکیل شده تا سریع به موضوع ورود و نسبت به بررسی آن اقدام کنند. دادستانی به دانشگاه علوم پزشکی برای روشن شدن ماجرای نوزاد آبدانانی ۴۸ ساعت مهلت داده است.

برادر مقتول در دادگاه:

به خاطر مادر و فرزندان قاتل او را بخشیدیم

گروه حوادث/ پیک موتوری رستوران که به دستور صاحب کارش و با همدستی مردی دیگر یک مهندس جوان را به قتل رسانده و به قصاص محکوم شده بود با جلب رضایت اولیای دم از مجازات مرگ رهایی یافت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آبان سال ۹۲ با مراجعه زن جوانی که مدعی بود همسرش چند روزی است که ناپدید شده آغاز شد. چند روز پس از آن مأموران جسد مردی را پیدا کردند که به طرز فجیعی به قتل رسیده بود. وقتی جسد به زن جوان در پزشکی قانونی نشان داده شد وی تأیید کرد که جسد متعلق به همسر ۳۸ ساله‌اش نادر است. بدین ترتیب بررسی‌های مأموران برای پیدا کردن سرنخی از عامل یا عاملان قتل آغاز و مشخص شد که مقتول با مرد رستوران‌داری به نام خشایار اختلاف مالی داشته است و خشایار هم بارها نادر را تهدید به مرگ کرده بود. به این ترتیب مأموران خشایار را تحت بازجویی قرار دادند. او که در ابتدا اظهار بی اطلاعی می‌کرد سرانجام پس از چند روز در نهایت لب به اعتراف گشود و گفت: دو نفر به نام‌های قاسم و بهمن مهندس جوان را کشته‌اند و حالا هم در یکی از شهرهای حاشیه تهران مخفی شده‌اند. پس از این اظهارات قاسم و بهمن دستگیر شدند و به قتل نادر با دستور خشایار اعتراف کردند.

با اعتراف متهمان تحقیقات تکمیل شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران رفت. در ابتدای جلسه اولیای دم برای هر ۳ متهم درخواست قصاص کردند و گفتند که حاضر هستند تا برای اجرای حکم قصاص تفاضل دیه را هم بپردازند.

پس از آن خشایار صاحب رستوران به جایگاه رفت و گفت: چند وقتی بود که از نادر طلب داشتم. من به او تعدادی سند و چک داده بودم که آنها را برنمی‌گرداند. به همین خاطر به فکر انتقام جویی افتادم. با قاسم که پیک موتوری رستورانم بود صحبت کردم و از او خواستم تا با گرفتن ۵ میلیون تومان نادر را کتک بزنند. اما او پول را به دوستش بهمن داده بود و پای او را به ماجرا باز کرد. من اصلاً بهمن را نمی‌شناختم. پس از آن نقشه‌ای کشیدیم و طبق برنامه نادر را به آشپزخانه رستوران کشاندیم. بعد قاسم و بهمن او را کشتند من دخالتی در قتل نداشتم. در ادامه نوبت به بهمن رسید و مدعی شد قتل به دستور خشایار بوده و در توضیح ماجرا گفت: ما به دستور خشایار مقتول را به آشپزخانه رستوران کشاندیم. او طنابی دور گردن نادر پیچید و آن را کشید و ما را مجبور کرد تا او را همراهی کنیم.

پس از او قاسم هم با تأیید حرف‌های بهمن گفت: ما هیچ مشکلی با مقتول نداشتیم که بخواهیم او را بکشیم. خشایار به ما گفته بود مقتول را به رستوران بیاوریم تا او بتواند طلبش را بگیرد و اگر دعوا شد و از پس او برنیامد ما کمکش کنیم اما او را کشت و بعد هم ما را تهدید کرد که چون پای ما به ماجرا باز شده باید هرچه او می‌گوید گوش کنیم و ماهم از سر ناچاری قبول کردیم. در پایان جلسه قضات با توجه به مدارک، اعتراف‌ها و مستندات پرونده برای هر ۳ متهم به جرم مشارکت در قتل، حکم قصاص صادر کردند و حکم صادره در دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد. در حالی که متهمان در انتظار اجرای حکم قصاص بودند قاسم توانست از اولیای دم رضایت بگیرد و از قصاص رهایی یابد و به این ترتیب وی از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

این متهم در دفاع از خودش گفت: در این ۷ سالی که در زندان هستم خودم و خانواده ام نابود شدیم. من در کاری دخالت کردم که هیچ ربطی به من نداشت حماقت کردم و زندگی‌ام نابود شد با این حال پس از آن ماجرا توبه کردم و در زندان ۱۲بار قرآن را برای شادی روح مقتول ختم کردم و مسئولان زندان هم از رفتارم رضایت دارند. به همین خاطر از قضات تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند تا زودتر آزاد شوم و نزد خانواده‌ام برگردم. سپس برادر مقتول به قضات گفت: من و خانواده‌ام به این نتیجه رسیدیم که قاسم در قتل نادر دخالت زیادی نداشته است. ما به زادگاه او رفتیم و متوجه شدیم که خانواده او آدم‌های خوبی هستند و به خاطر مادر و فرزندان خردسالش که نمی‌خواهیم همانند فرزند برادرم یتیم شوند از قصاص او گذشتیم. اما در مورد ۲ متهم دیگر به هیچ عنوان گذشت نمی‌کنیم. در پایان این جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

۳۹ مصدوم در تصادف زنجیره‌ای مسجد سلیمان

گروه حوادث/ در تصادف یک دستگاه وانت نیسان با ۵ دستگاه مینی‌بوس کارکنان شرکت پتروشیمی در محور مسجدسلیمان - لالی ۳۹ نفر مصدوم شدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۹ شب هفتم آذر سال ۹۲ با گزارش کشف جسد مرد جوانی در بیابان‌های شهر آفتاب استان تهران آغاز شد. مرد جوان لباس خانه به تن داشت و خفه شده بود، در همان تحقیقات احتمال اینکه جنایت در محل دیگری رخ داده و بعد جسد به آنجا منتقل شده مطرح شد.

جسد مرد ناشناس به پزشکی قانونی منتقل شد، اما خیلی زود تیم جنایی موفق شد هویت مقتول را به دست آورد. وی بهنام ۴۴ ساله، ساکن نازی‌آباد بود و سوپرمارکتی در همان محل داشت. وقتی تیم جنایی به سراغ سهیلا همسر مقتول رفت او در تحقیقات اولیه مدعی شد از ۲ روز قبل خبری از شوهرش ندارد و نمی‌داند برای او چه اتفاقی رخ داده است. اما رفتار عجیب و هراس دختر ۱۰ ساله مقتول از مادرش شک تیم جنایی را بیشتر کرد.

در ادامه نیز مأموران دریافتند این زن با مردی غریبه ارتباط دارد بنابراین بار دیگر به سراغ سهیلا رفتند و این بار زن جوان راز جنایت را برملا کرد: من و شوهرم با هم اختلافات زیادی داشتیم. مدتی بعد با مردی به نام امیر که نصاب آسانسور بود، آشنا شدم. کم کم به امیر دل باختم و می‌خواستم با او ازدواج کنم اما بهنام سد راهم بود. شب حادثه شوهرم وارد خانه شد و به اتاقش رفت. دقایقی بعد من در را برای امیر باز کردم که وارد شد و بعد از آن برادرش به همراه دو نفر دیگر از دوستانش وارد اتاق شدند و شوهرم را با یک شلوار خفه کردند اما من و دخترم ندیدیم که دقیقاً چه کسی شوهرم را خفه کرد.»

■ **دستگیری ۴ متهم**

با اعتراف زن جوان، امیر و همدستانش بازداشت شدند و به قتل اعتراف کردند. مرد جوان به قتل با همدستی برادرش که در زمان جنایت نوجوان بود و دو نفر از همدستانش اعتراف کرد. با اعتراف ۵ متهم این پرونده، کیفرخواست آنها صادر شد و متهمان در شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفتند.

دختر نوجوان مقتول در دادگاه کیفری گفت: «من برای چهار متهم این پرونده تقاضای قصاص دارم و از دادگاه می‌خواهم که مادرم را هم مجازات کند. این زن دیگر مادر من نیست و من می‌خواهم مجازات شود. پدرم مرد خوبی بود و وضع مالی خوبی هم داشت اما مادرم مرتب او را اذیت می‌کرد.» بعد از آن امیر در جایگاه قرار گرفت و گفت: «من قبول دارم که مرتکب قتل شده‌ام ولی قصدم قتل نبود.»

در نهایت با توجه به اظهارات متهمان، امیر به قصاص و همدستانش به زندان محکوم شدند. حکم در دیوان عالی کشور تأیید شد اما امیر درخواست اعاده دادرسی داد و مدعی شد که در هنگام قتل برادر و دوستش نیز با او همدست بوده‌اند.

بدین ترتیب قضات دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی او را پذیرفته و پرونده به شعبه هم عرض ارسال شد. پس از محاکمه برادر و یکی از دوستان امیر، قضات دادگاه برای آنها نیز مشارکت در قتل گرفته و پرونده برای ابلاغ به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد.

انهدام باند خانوادگی سرقت از اتباع بیگانه

گروه حوادث/ مرد تبهکار که با همدستی دو پسر و دو نوه‌اش یک باند سرقت تشکیل داده بود، به عنوان مأمور به سراغ اتباع بیگانه رفته و از آنها سرقت می‌کردند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل چند مرد افغانستانی در تماس با پلیس، از سرقت پول‌ها و طلاهایشان توسط چند مأمور قلابی خبر دادند. یکی از آنها گفت: من و چند نفر از هم‌ولایتی‌هایم در خانه‌ای مستأجر هستیم. امروز سه مرد زنگ خانه‌مان را زدند و با نشان دادن کارت شناسایی، مدعی شدند که مأمور هستند. آنها به جست وجوی خانه‌مان پرداختند و هر چه پول و طلا داخل خانه بود را سرقت کردند. آن زمان در خانه تنها بودم و نمی‌توانستم اعتراض کنم، چون تعداد آنها بیشتر بود.

با شکایت این مرد، تحقیقات از سوی مأموران اداره پنجم پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد. مأموران به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف خانه شاکی پرداخته و مشخص شد که سه مرد جوان بعد از سرقت، سوار خودروی پژو ۴۰۵ شده و به همراه دو مرد دیگر متواری شده‌اند. در ادامه تیم تحقیق با سرقت‌های مشابه در تهران و شهرهای اطراف مواجه شدند.

■ **شناسایی در زندان**

در بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت‌ها، تصاویر متهمان به دست آمد و زمانی که تیم تحقیق به سراغ آلبوم متهمان اداره آگاهی رفتند هویت یکی از آنها را شناسایی کردند. ساسان ۴ سال قبل به اتهام کف‌زنی ۶ ماه در زندان بود. با به دست آمدن هویت یکی از متهمان، تیم تحقیق موفق به شناسایی همدستان او نیز شدند. در حالی که هماهنگی با بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران صورت گرفته بود تا مأموران برای دستگیری اعضای این باند وارد عمل شوند، مشخص شد که چند روز قبل متهمان توسط پلیس شهرری بازداشت شده‌اند و در زندان

به سر می‌برند. به دستور بازپرس علی‌ایرد موسی، متهمان برای تحقیقات به دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند. آنها در تحقیقات به جرم خود اعتراف کرده و بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت دستور شناسایی مالباختگان احتمالی این متهمان را صادر کرد.

■ **گفت‌وگو با سردسته باند**

چطور این باند را تشکیل دادی؟/ همه ما فامیل هستیم. پدرم، برادرم و پسرهایش به همراه پسرخاله‌ام همگی اعضای باند هستیم.

چطور سرقت‌ها را انجام می‌دادید؟/ ۵ نفره برای سرقت می‌رفتیم، یک نفر راننده بود و داخل ماشین می‌نشست، یک نفر زاغ‌زن بود و خیابان را می‌پایید و سه نفر هم راهی خانه محل سرقت می‌شدیم. خودمان را مأمور معرفی می‌کردیم و وارد خانه‌ها یا ساختمان‌های نیمه‌ساز می‌شدیم و با پیدا کردن پول و طلاها سرقت کرده و فرار می‌کردیم.

چرا کارگران و اتباع بیگانه را برای سرقت انتخاب می‌کردید؟/ دو دلیل داشت؛ اول اینکه خیلی از آنها غیرقانونی در کشور ما کار و زندگی می‌کنند و می‌ترسند شکایت کنند. دوم اینکه آنها پول و طلاهایشان را در خانه نگهداری می‌کنند.

چقدر از این سرقت‌ها گیرتان آمد؟/ نفری حدوداً ۴۰ میلیون تومان. اما فایده‌ای نداشت، همه پول‌ها را خرج تفریح و لباس کردیم و هیچی دست‌مان را نگرفت.

پدرت در این سرقت‌ها چه نقشی داشت؟/ بیشتر زاغ‌زن بود.